

## محسنات لفظی در کلام امام رضا و امام سجاده<sup>(ع)</sup>

مصطفی اسفندیاری (فقیه)، \* حسن عبداللهی، \*\* علیرضا نادریان لایین \*\*\*

### چکیده

کلام امامان معصوم<sup>(ع)</sup> در کنار معانی والای انسانی که نشان از روحیه متعالی و اندیشه اسلامی ایشان دارد، مملو از واژگان و ترکیب‌های زیبا و تأمل‌برانگیزند که روح آدمی را جلا می‌دهند. بیان ظرافت‌های بلاغی در کلام این بزرگان، امری ضروری است. از این روی شرح و بسط این موضوع از تکالیف مهم دانسته شده و در نوشتار حاضر به موازنه محسنات لفظی در کلام امام رضا و امام سجاده<sup>(ع)</sup> همت گماشته شده است تا توانایی این بزرگواران برای مخاطب آشکار شود. آن بزرگواران سخنان و نصایح گهربار خویش و مبادی اسلام و ارزش‌های اخلاقی را در قالب سخنانی مملو از تصاویر بدیعی بیان کرده و صنعت‌های لفظی مختلفی چون جناس، سجع و... را به‌کار گرفته‌اند تا بر عمق معنی و تأثیرگذاری کلام خویش بیفزایند و تأثیر و زیبایی آن‌را دوچندان کنند، بی‌آنکه از عمق معانی دینی ذره‌ای بکاهند.

در این مقاله که با روش توصیفی-تحلیلی و با استفاده از منابع کتابخانه‌ای نگارش یافته، سعی بر آن است به موازنه نمونه‌هایی از محسنات لفظی سخنان این دو امام<sup>(ع)</sup> که در کنار معانی والا و ترکیب‌های بی‌نظیر در پوشش صنایع بدیعی جای گرفته‌اند و از طبع دلکش ایشان برآمده است، پرداخته شود.

### واژه‌های کلیدی

امام رضا، امام سجاده<sup>(ع)</sup>، سجع، جناس، فنون بلاغی، محسنات لفظی

تاریخ پذیرش: ۹۴/۰۳/۲۳

rahigh504@gmail.com

hsnabdollahi@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۴/۰۱/۲۸

\*. استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی

\*\* استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه فردوسی مشهد

\*\*\* مدرس گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور (دانشجوی دکتری دانشگاه فردوسی مشهد)

alirezabelajavadk@yahoo.com

## ❖ مقدمه

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

کلام امامان معصوم<sup>(ع)</sup> از عمق مباحث قرآنی و دینی و مطالب اخلاقی ناب اسلامی نشئت می‌گیرد، بدین لحاظ، تأثیر والایی بر خواننده دارد. همین امر باعث شده است از دیرباز، به نسخه شفابخش برای امور معنوی و اخلاقی جامعه اسلامی تبدیل شوند و راهنمایی‌هایشان سکان‌دار کشتی اخلاق بشریت در هجمه‌های مکرر فرهنگ‌های بیگانه شود. صحت این سخن زمانی آشکارتر می‌شود که به پژوهش در سخنان این بزرگان پرداخته شود. از دیگر سو، بیان این نکته نیز شایان اهمیت است که کتاب‌هایی چون *نهج البلاغه* و *صحیفه سجادیه* در کنار اینکه نمونه ممتازی در زمینه هدایت بشر به سوی رویه صحیح زندگی به‌شمار می‌روند، از نظر ادبی نیز در جایگاه والایی قرار دارند.

از نظر بلاغت و قوت بیانی، تمجیدهای فراوانی از سخنان امامان معصوم<sup>(ع)</sup> شده است، تا آنجا که بزرگان ادب، درباره کلام حضرت علی<sup>(ع)</sup> گفته‌اند: «بالتر از سخن بنده و پایین‌تر از سخن خداست» (مطهری، ۱۳۷۲: ۳۵۸).

تمام این گفته‌ها در پی اثبات یک نتیجه‌اند و آن اینکه اهمیت سخن بزرگان تنها از نظر صبغه دینی، نصیحت‌گونه و از جنس هدایت بشری نبوده، بلکه از نظر ادبی و بلاغی نیز در درجه بالایی قرار دارند، در حدی که جزو نوادر بی‌بدیل ادبیات عربی و دینی به‌شمار می‌روند. همین نکته، نگارندگان را ترغیب کرد تا از رهگذر این مقاله به پژوهش درباره سخنان امامان معصوم<sup>(ع)</sup> پردازند.

پژوهش پیرامون فنون بلاغی، در ابتدا منحصر به قرآن و زیبایی‌های ادبی آن بود. ابوزکریا یحیی بن زیاد کوفی، مشهور به فراء در کتابش *معانی القرآن* به بررسی آرایه‌های ادبی قرآن پرداخت. این جریان ادامه داشت تا اینکه نوبت به افرادی چون جاحظ در کتاب *اللیان* و *التبیین* و ابن‌المعز در کتاب *معروفش البدیع* می‌رسد. بدون شک پژوهش پیرامون علم بدیع و محسنات لفظی در بلاغت عربی ادامه داشته و خواهد داشت.

کتاب ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا<sup>(س)</sup> و امامان معصوم<sup>(ع)</sup> که توسط

عالم گرانقدر، حسن عبداللهی، جمع‌آوری شده، دربردارنده بخشی از اشعار و خطبه‌های امام سجاد<sup>(ع)</sup> بوده که در درجه بالایی از مناجات است و نشان از ارتباط عمیق میان بنده و پروردگار دارد. کتاب *صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup>* نیز توسط استاد جواد قیومی اصفهانی گردآوری شده و مجموعه کاملی از دعاها و زیارت‌های امام<sup>(ع)</sup> است. مطالب این دو کتاب ارزشمند، جدا از بلاغت، در درجه بالایی از مناجات قرار دارند. علاوه بر آن، دربرگیرنده ارتباط عمیق میان بنده و پروردگار بوده و دارای مشخصه‌های اخلاقی، دینی و اجتماعی است.

با توجه به غنای این دو مجموعه، از نظر مضامین، کمال تجربه و ساخت بی‌نقص، بیان ارزش ادبی و فنی این دو در گرو زیبایی است که در بندهای این دو کتاب وجود دارد.

نگارندگان مقاله حاضر تلاش می‌کنند به‌واسطه شناسایی و موازنه آرایه‌های ادبی این دو منبع، به بررسی زیبایی‌های آنها بر اساس شواهد و به‌صورت موردی بپردازند. بنابراین در مسیر پژوهشی خود به شیوه تحلیلی گام نهاده‌اند و پیرامون محسنات لفظی و اثر آن بر جان شنوندگان سخن می‌گویند.

این بررسی به بیان مهم‌ترین راه‌هایی که در ایجاد موسیقی نثر مؤثرند مانند: سجع، موازنه و... می‌پردازد. ویژگی این مقاله، در روش بررسی و هدفی است که دنبال می‌کند. روش کار، کتابخانه‌ای و بررسی توصیفی-تحلیلی موضوع با بهره‌گیری از مثال‌های ممتازی است که حاوی محسنات لفظی هستند، آنگاه در حد امکان به شرح مثال‌ها پرداخته می‌شود. در مقاله پیش‌رو سعی بر این است تا از منابع مختلف و صحیح‌ترین نظریه‌ها، برای بیان زیبایی فنی مثال‌ها بهره گرفته شود و محسنات بدیعی با شواهد بلیغی از سخنان امام سجاد و امام رضا<sup>(ع)</sup> آراسته شود، ولی به جهت کوتاهی مجال، به شرح مختصری پیرامون آنها اکتفا می‌شود و بیشتر محسنات لفظی به‌صورت آماری بیان می‌شود. امیدواریم نوشتار حاضر راهی به‌سوی فهم کلام امامان معصوم<sup>(ع)</sup> باشد و با توجه به اینکه پژوهش مستقلی در این زمینه انجام نشده است، پیش از بیان شواهد مثالی و کاربست صنایع بدیعی لفظی در آن، به

❖ معرفتی مختصری از علم بدیع پرداخته می‌شود تا مخاطب با اشراف کامل، ادامه مطالب را مورد مطالعه قرار دهد.

### پیشینه

درباره امام سجاد و امام رضا<sup>(ع)</sup> تحقیقات و پژوهش‌های فراوانی صورت گرفته است که قابل شمارش نیست و مجال برای بیان تک تک آنها وجود ندارد، اما در زمینه بررسی اصول بلاغی و به‌خصوص موازنه محسنات لفظی در سخنان این دو بزرگوار، تاکنون هیچ تحقیق و پژوهش مستقلی صورت نگرفته که همین امر منجر شده است تا یکی از نوآوری‌های اصلی مقاله حاضر، موازنه و بررسی محسنات لفظی در کلام این دو بزرگوار باشد. شایان ذکر است موازنه حاضر تنها یک بیان صرف شواهد مثالی بدون تحلیل نیست، بلکه در این مقاله، از گذر بیان شواهد مثالی گوناگون در کلام هر دو امام معصوم<sup>(ع)</sup>، بیان و تحلیل توان این دو بزرگوار در زمینه بلاغت عربی و چگونگی به‌کارگیری محسنات لفظی مورد بررسی و تحلیل قرار گرفته است تا از این رهگذر اثبات شود که این بزرگواران در کنار قیادت دینی، در زمینه بلاغت و بیان عربی نیز یکه‌سوارانی بی‌بدیل بودند.

### علم بدیع

دانشی است که به کمک آن، روش‌های زیبایی‌بخش کلام که سخن را زیبا و مقبول می‌سازند، شناخته می‌شوند، البته پس از رعایت مطابقت سخن با مقتضای حال و روشنی دلالت آن بر مراد، این روش‌ها در دو مجموعه دسته‌بندی می‌شوند: یک مجموعه به لفظ و آرایش آن و دیگری به معنا و زیباسازی آن بازمی‌گردد. اولی را آرایه‌های لفظی و دومی را آرایه‌های معنوی می‌نامند (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۲۸۷).

محسنات لفظی مربوط به زیباسازی لفظ بوده و نشانه آن، این است که اگر لفظ به مرادف خود تغییر یابد، زیبایی آن از بین می‌رود، از جمله آرایه‌های لفظی: جناس، سجع و... هستند، این محسنات در کتاب‌های بدیعی، کمتر از محسنات معنوی‌اند (میدانی، ۱۴۱۶ق: ۳۱۷).

نمونه‌های محسنات لفظی در کلام دو بزرگوار عبارت‌اند از:

### اقتباس

به‌کارگیری قرآن‌کریم یا حدیث شریف در شعر و نثر را گویند. در متن به اینکه سخن از آن اوست، تصریح ندارد و مانعی نیست که لفظ اقتباس شده را به زیاده یا نقصان یا تقدیم و تأخیر تغییر دهد، چراکه قصد از این کار، نشان دادن مهارت و محکم کردن رابطه میان سخن‌گوینده و کلام اقتباس شده است<sup>۱</sup> (تونانی، بی‌تا: ۲۱۷).

نمونه‌های اقتباس در صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– سیدی وإن عرفت من عملی شیئاً وأشکرنی فی الرَّحمةِ معهما وارحمهما کما ربیانی صغیرا (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۶).

– یا مُحیی العظام وهی رَمیمٌ ومُشئها بعد الموت (همان: ۴۸).

– اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ وَالِاهِ وَعَادٍ مِنَ عَادَاهِ وَالْبَسَةِ دَرَعِکَ الْحَصِیْنَةَ (همان: ۵۴).

امام<sup>(ع)</sup> در این نمونه‌ها، از آیه ۲۴ سوره اسراء<sup>۲</sup> و آیه ۷۸ سوره یس<sup>۳</sup> و در مورد پایانی، از حدیث رسول اکرم<sup>(ص)</sup> در روز غدیر اقتباس کرده‌اند.

نمونه‌های اقتباس در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– ما هذا التَّقْصِیرُ وَقَدْ وَخَطَکَ التَّقِیْرُ، وَوَأَفَاکَ النَّذِیْرُ، وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِیْرُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

– سَتَنْتَقِلُ مِنَ الْقُصُورِ إِلَى ضِیقِ الْقُبُورِ، وَمِنَ دَارِالْفَنَاءِ إِلَى دَارِالْحَبُورِ، کُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ (همان: ۲۲۲).

– یا مِن یَجِیْبُ دَعَا الْمَضْطَرِّ فِی الظُّلْمِ یا کَاشِفَ الضُّرِّ وَالْبَلْوَى مَعَ السَّقَمِ (همان: ۲۳۶).

۱. و به سه دسته تقسیم می‌شود: مقبول، مباح و مردود، اولی در خطبه‌ها و موعظه‌هاست، دومی در نامه‌ها و قصه‌ها و سومی در هزل و غزل که خداوند آن را به خود نسبت می‌دهد و بنده نیز در جایگاهی، آن را به خود نسبت می‌دهد.

۲. «وَإِخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا؛ و از سر مهربانی، بال فروتنی بر آنان بگستر و

بگو: پروردگارا، آن دو را رحمت کن چنان‌که مرا در خردی پروردند.»

۳. «وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَتَسَى خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِي الْعِظَامَ وَهِيَ رَمِيمٌ؛ و برای ما مثلی آورد و آفرینش خود را فراموش کرد گفت:

چه کسی این استخوان‌ها را که چنین پوسیده است، زندگی می‌بخشد»

❖ - فَأَنْكَ مَنِّي يَا عَلِيَّ مَوْلَا كَهَارُونَ من موسى أخ لي وصاحب (همان: ۱۷۶).<sup>۱</sup>  
 امام (ع)<sup>۲</sup> در این نمونه‌ها، از آیات ۲۸ و ۱۸۵ سوره آل عمران<sup>۲</sup> و آیه ۶۲ سوره نمل<sup>۳</sup> و حدیث رسول اکرم (ص)<sup>۴</sup> درباره حضرت علی (ع) اقتباس کرده‌اند (ابن ابی‌الحدید المدائنی، ۱۹۹۸م: ۳۷۵۷).

در این صنعت بدیع به‌خاطر همگونی که بین کلام مدنظر گوینده و مطلب اقتباس شده پدید می‌آید، در شنونده، تلذذخاطر ایجاد می‌شود و کلام، بهتر در ذهن مخاطب جای می‌گیرد. چون معمولاً مطلب مورد اقتباس، از جمله مطالب مشهور و مقبول طبع مخاطبان است و همین عامه‌پسند بودن باعث تأثیر هرچه بیشتر کلام و زیباتر شدن سخن گوینده می‌شود. اقتباس باعث تأثیر هر چه بیشتر کلام بر شنونده می‌شود. شواهد مثالی مربوط به امام سجاد و امام رضا (ع) از زیبایی بالایی برخوردار بوده و البته ظرافت‌های کلامی هر دو امام همام (ع) قابل تأمل است.

در شواهد بالا، تسلط هر دو امام (ع) بر آیات قرآنی و توان بیانی، کاملاً آشکار بوده و این مهم از رهگذر شواهد بیان‌شده آشکار است.

۱. اشرفی: مرا شریک گردان؛ ربیبی: مرا تربیت نمودند؛ محیی العظام: زنده‌کننده استخوان‌ها؛ منشیها: ایجادکننده؛ در عک الحصینه: سپر محکم؛ و خطک القتیر: نشانه‌های پیری بر تو آشکار شد؛ و افاک النظیر: زمان مرگت فرا رسید؛ المضطر: پریشان‌حال؛ کاشف الضر: برطرف‌کننده مصیبت و بدبختی؛ موالفا کهارون: مانوس و همدم همانند هارون.

۲. ... وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ ﴿۲﴾ كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ؛ مؤمنان نباید کافران را به‌جای مؤمنان به دوستی بگیرند و هر که چنین کند در هیچ چیز [او را] از [دوستی] خدا [بپره‌ای] نیست؛ مگر اینکه از آنان به‌نوعی تقیه کند و خداوند شما را از [عقوبت] خود می‌ترساند و بازگشت [همه] به‌سوی خداست\* هر جاننداری چشنده [طعم] مرگ است.

۳. «أَمَنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَا وَكَشِفُ السُّوءِ وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ إِلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَا تَذَكَّرُونَ؛ یا [کیست] آن کس که درمانده چون وی را بخواند اجابت می‌کند، گرفتاری را برطرف می‌گرداند و شما را جانشینان این زمین قرار می‌دهد. آیا معبودی با خداست چه کم پند می‌پذیرید.»

سخنان امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر حالت نصیحت گونه و با لطافت بیانی خاصی بوده؛ درحالی که سخن امام سجاده<sup>(ع)</sup> تا حد زیادی رسمی و تنبیه گونه است و به نوعی به طور مستقیم، عقلانیت فرد را هدف قرار داده اند. همین خطاب عقل گرایانه منجر به ایجاد نوعی خشونت در کلام ایشان شده، چراکه کلام، عاطفه کمتری دارد.

### ترصیح

تقسیم سخن به قسمت های گوناگون و آوردن هر لفظ با موافق آن در وزن و روی و به سخنی دیگر، به کارگیری سجع های متوازی در کلام است (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۶).

نمونه های آن در صحیفه الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت اند از:

— اللَّهُمَّ اشْعِبْ بِهِ الصَّدْعَ وَارْتَقِ بِهِ الْفَتْقَ وَأْمِتْ بِهِ الْجُورَ وَأَظْهِرْ بِهِ الْعَدْلَ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۴).

— اللَّهُمَّ اعْطِهِ فِي نَفْسِهِ وَأَهْلِهِ وَذُرِّيَّتِهِ وَأُمَّتِهِ وَجَمِيعِ رَعِيَّتِهِ مَا تُقْرَبُهُ عَيْنُهُ وَتُسْرَبُهُ نَفْسُهُ (همان: ۷۰).

— إِنَّهُ لَا يَذِلُّ مَنْ وَالَيْتَ وَلَا يَعْزُّ مَنْ عَادَيْتَ يَا مَنْ تَفَرَّدَ بِالْمَلِكِ فَلَا نِدَّ لَهُ فِي مَلَكُوتِ سُلْطَانِهِ وَتَوَحَّدَ

بِالْكِبْرِيَاءِ فَلَا ضِدَّ لَهُ فِي جَبْرُوتِ شَأْنِهِ (همان: ۸۶).

نمونه های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت اند از:

— مَاذَا الرَّأْيَ الْعَازِبِ، وَالرُّشْدَ الْغَائِبِ، وَالْأَمَلَ الْكَاذِبِ، سَتُنْقَلُ مِنَ الْقُصُورِ وَرَبَّاتِ الْخُدُورِ وَالْجَذَلِ

وَالسَّرُورِ، إِلَى ضَيْقِ الْقُبُورِ، وَمِنْ دَارِ الْفَنَاءِ إِلَى دَارِ الْحَيَورِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۲).

— فَيَا قَلِيلَ التَّحْصِيلِ، يَا كَثِيرَ التَّعْطِيلِ، وَيَا ذَا الْأَمَلِ الطَّوِيلِ، بِنَاوِكَ اللَّخْرَابِ وَأَجْلِكَ إِلَى اقْتِرَابِ

(همان: ۲۲۳).

— أَفْ لَدُنْيَا، لَا يَرْقَى سَلِيمِهَا وَلَا يَصْحُ سَقِيمِهَا وَلَا يَنْدَمَلُ كَلُومِهَا، وَعُودُهَا كَاذِبَةٌ وَسَهَامُهَا صَائِبَةٌ وَأَمَالُهَا

خَائِبَةٌ (همان: ۲۲۶).<sup>۱</sup>

۱. اشعب به الصدع وارتق به الفتق؛ شکافها را با او پر و گسستگی ها را با او پیوسته نما؛ تقرُّ به عینه: مایه چشم روشنی؛ لا یدل: خوار نمی گردد؛ لا ندَّ له: هیچ شریکی ندارد؛ بالکبریاء: عظمت؛ الرأی العازب والرشد الغائب: دارای اندیشه دور و دراز و رشد ناپیدا؛ دارالفناء إلى دار الحیور: از سرای فنا و شادمانی به خانه قبر منتقل خواهی شد؛ قلیل التحصیل و کثیر التعطیل: ↵

ترصیع، در واقع کاربرد متقارن سجع‌های متوازی است. پس در مجموعه سجع متوازی وارد می‌شود و این اشتراک الفاظ در وزن و قافیه بر غنای موسیقی کلام اثرگذار است. به‌خاطر تکلف بالا، کاربرد ترصیع در شعر و نثر کم است، با این وجود، این آرایه در صحیفه امام رضا<sup>(ع)</sup> و کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> بدون تکلف و به فراوانی وجود دارد و شاهد تأثیر موسیقایی و زیبایی آن در کلام هستیم.

در موازنه بین کلام این دو امام همام<sup>(ع)</sup> این نکته قابل ذکر است که واژه‌های امام رضا<sup>(ع)</sup> از نرمی و همگونی بیشتری برخوردارند و این مهم، متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی عصر عباسی بوده، البته این بدین معنا نیست که واژه‌های امام سجاده<sup>(ع)</sup> دشوار یا دارای غرابیت استعمال‌اند، تنها نوع چینش واژگانی امام رضا<sup>(ع)</sup> روان‌تر بوده که این امر در کاربرد اسلوب‌ها، کلمه‌ها و لغت‌های حضرت آشکار است.

### تشابه الاطراف

نوعی مراعات نظیر بوده، گویی سخن با آنچه با آغازش متناسب است، ختم شود (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۳۹).

نمونه‌های آن در صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– واجِعَلْ لَهُ مِنْ لَدُنْكَ عَلٰی عَدُوِّكَ وَعَدُوَّهُ سُلْطٰنًا نَصِيْرًا (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۴)

– يَعْلَمُ مَا يَسْرُوْنَ وَمَا يَعْْلَنُوْنَ فَسَيَكْفِيْكَهُمُ اللّٰهُ وَهُوَ السَّمِيْعُ الْبَصِيْرُ (همان: ۱۵۶).

نمونه‌هایی از آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– اعْتِمَادَكَ عَلٰی الصّٰحَةِ وَالسَّلَامَةِ خُرْقٌ، وَسَكُوْنَكَ اِلَى الْمَالِ وَالْوَلَدِ حَقْمٌ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۹)

– فَعَقِبِيْ حَلٰوَاتِ الزَّمٰنِ مَرِيْرَةٌ وَإِنْ عَذِبْتَ حِيْنَآ فَحِيْنَآ خِرَابِقٌ (همان: ۲۲۹).<sup>۱</sup>

→ کسی که کمتر به دنبال انجام اعمال اخروی بوده و بیشتر سرگرم ملامهی است؛ لا یرقی سلیمها؛ مارگزیده‌اش را افسونی نیست؛ وسهامها صائبه و آمالها خائبه؛ تیرهایش درست به هدف می‌خورند (کسی را از مرگ گریزی نیست) و آرزوهایش گمراه‌کننده‌اند.  
۱. سلطاناً نصیراً؛ یاری‌گردان؛ ما یسرون وما یعلنون؛ آنچه پنهان و آنچه آشکار می‌کنند؛ فسیکفیکهم؛ خداوند کفایت‌شان خواهد کرد؛ خرق؛ نادانی؛ حلاوات‌الزمان؛ شیرینی‌های دنیا؛ مریره؛ تلخی؛ خرابق؛ فاسد بودن.



شواهد مثال در موارد بالا نمایانند و نیازی به بیان ندارند، اما این نکته قابل ذکر است که در این صنعت بدیع، نوعی تشابه معنوی میان بندهای سخن وجود دارد و میان آغاز و پایان جمله ارتباط ایجاد می‌شود که با اندک دقتی در کلمه‌های آغازین و پایانی آشکار است. همین مسئله باعث زیبایی دوچندان کلام می‌شود. موضوع شایع در این آرایه، کاربرد آن در بازی با الفاظ است، به گونه‌ای که زیبایی آن متأثر از تداعی و ارتباط خاصی است که میان کلمه‌ها وجود دارد. در این مقطع، کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> صائب‌تر بوده، چراکه به نوعی، از صنعت بدیعی مذهب کلامی که نوعی صنعت بدیعی معنوی است، نیز بهره برده‌اند، هرچند کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> نیز بار معنایی کاملی را افاده می‌کند، اما کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> صلابت بیشتری داشته و عقلانی‌تر است. همین عقلانی بودن یکی از امتیازهای این صنعت بلاغی بوده که باعث جذابیت بیشتر کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> شده است.

### تلمیح

اشاره به قصه یا شعری است بدون آنکه یادی از آن شود (تفتازانی، ۱۴۲۲ق: ۹۲). مقصود از این اشاره آن است که هر چه در ذهن دارد، نزد مخاطب تثبیت کند. نمونه‌های آن در *صحیفه‌الرضا*<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- و بَوَصِيهِ الْمُخْتَارِ الْمُسَمَّى عِنْدَكَ بِقَسِيمِ الْجَنَّةِ وَالنَّارِ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۲).
- و أَيْدِيهِ بَرُوحِ الْقُدْسِ مِنْ عِنْدِكَ وَ اسْلُكُهُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصْدًا (همان: ۴۴).

عبارت اول، اشاره به ولایت امام علی<sup>(ع)</sup> و عبارت دوم اشاره به لیلۃ‌المیبت و داستان معروف آن دارد. این آرایه و فراوانی در کلام حضرت مشاهده می‌شود. نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- وَجَدِي رَسُولَ اللَّهِ فِي كُلِّ مَشْهَدٍ وَ شَيْخِي أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَ زَيْرَهُ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۷).
- وَ أَلِكْ أَمْسُوا كَالْإِمَاءِ بِذَلَّةٍ تَشَاعُ لَهُمْ بَيْنَ الْأَنْامِ فَجَايِعُ (همان: ۲۰۹).

۱. قسیم الجنة والنار: تقسیم‌کننده بهشت و دوزخ {لقب حضرت علی<sup>(ع)</sup>}; اسلکه: هدایتش کن; أمسوا کالاماء: مانند بردگان به حرکت واداشته شدند; تشاع: رایج شد; فجایع: مصیبت و سختی‌ها.

در مثال‌های بالا عبارت اول، اشاره به وصیت‌های امام علی<sup>(ع)</sup> و عبارت دوم، اشاره به داستان اسرای کربلا و حرکت ایشان به سوی شام دارد. این صنعت بدیعی به‌خاطر تناسبی که میان موضوع اصلی و قصه مورد استفاده و تداعی آن در ذهن مخاطب دارد، داستان را در ذهن شنونده زنده می‌کند، به‌خاطر تشبیه و بهره‌گیری از داستان، مخاطب را جذب می‌کند و سخن نزد وی تصویر می‌شود. البته نوعی ایجاز نیز دربر دارد، از دیگر سو، با توجه به ابهامی که در برخی از تلمیح‌ها نهفته است، مخاطب به فکر و دقت نظر نیاز دارد تا به مقصود برسد. این امر بر زیبایی کلام اثر می‌گذارد، برای فهم زیبایی سخن باید شنونده به داستان آگاه باشد، از این‌رو تأثیر این آرایه را در کلام ایشان مشاهده می‌کنیم. در مقام موازنه کلام، هر دو امام همام<sup>(ع)</sup> بار معنایی کاملی دارند، فقط امام سجاد<sup>(ع)</sup> بیشتر به یاد حوادث کربلا سخن می‌گویند و به همین علت اکثر تلمیح‌های ایشان به واقعه مذکور ارتباط پیدا می‌کند، حال آنکه امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر در مقام اغنای مخاطب خویش هستند و بیشتر به مطالب کلی نظر دارند.

### حسن انتها

اینکه متکلم، سخن خود را با چیزی ختم کند که احساسات را به حرکت وادارد و خیال را برانگیزد، از آن جهت که ختم سخن، آخرین چیزی است که گوش آن‌را می‌شنود، پس اگر نیکو باشد دل‌ها بدان می‌گریند و گوش‌ها از آن لذت می‌برند. زیباترین سخن آن است که انتهای کلام را بنمایاند و بارزترین افکار را با انسجام در خود جای دهد که آن‌را «براعة المقطع و حسن الخاتمه» نیز گویند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۷۱).

شواهد این آرایه در صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– یا سامع کل صوت، و یا سابق کل فوت، یا محیی العظام و هی رمیم، و مُنشیها بعد الموت صلّ علی محمد و آل محمد و اجعل لی من کل همّ فرجا و مخرجاً و جمیع المومنین، إنک علی کل شیء قدير (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۸).

نکته قابل توجه اینکه در اینجا جمعی از آرایه‌های بدیعی گرد هم آمده‌اند، مثلاً اسلوب جمع و تلمیح نیز در این کلام وجود دارد.

- حَسْبِي مَنْ هُوَ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي مَنْ كَانَ مُنْذُ قَطُّ كُنْتُ لَمْ يَزَلْ حَسْبِي، حَسْبِي اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ (همان: ۹۶).

شواهد این صنعت بدیعی در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- أَقَامِنْتَ الْأَيَّامَ وَطَوَّلَ الْأَسْقَامَ، وَنَزَوِلَ الْحِمَامَ، وَاللَّهُ يَدْعُوَالِي دَارِالسَّلَامِ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۰).

- التَّوْبَةَ وَاغْسَلَ الْحَوْبَةَ، وَحَسَنَ الْعَمَلَ قَبْلَ حُلُولِ الْأَجْلِ وَانْقِطَاعِ الْأَمَلِ، فَكُلْ غَائِبٌ قَادِمٌ وَكُلْ غَرِيبٌ

غَارِمٌ، وَكُلْ مَفْرَطٌ نَادِمٌ، فَاعْمَلْ لِلْخَلَاصِ قَبْلَ الْقِصَاصِ، وَالْإِخْذِ بِالتَّوَّاصِ (همان: ۲۳۳).

- وَالخُلُودَ إِلَى دَارِ الْإِحْزَانِ، وَالسُّكُونَ إِلَى دَارِ الْهَوَانِ وَقَدْ نَطَقَ الْقُرْآنُ بِالْبَيَانِ الْوَاضِحِ فِي سُورَةِ الرَّحْمَانِ

«كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَإِنَّ (۲۶) وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (همان: ۲۱۳).<sup>۱</sup>

همان‌گونه که از نام این صنعت بدیعی برمی‌آید، حسن ختام، خلاصه افکار نثرنویس است، به همین دلیل در خاتمه کلام می‌آید و باید از نظر تأثیرگذاری در حدی باشد که جان‌ها و طبایع را به حرکت درآورد و دل‌ها را مجذوب کند. این زیبایی، برگرفته از فیض روحی برخاسته از اعماق قلب است، پس خاتمه، جدا از متن نیست، بلکه به منزله اعضای جسم است و باید در شروع و پایان زیبا باشد، چون که شروع و پایان سخن، معنا و مقصود را بیان می‌دارند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۱۷۶).

در شواهد مثال کاملاً واضح است که امام سجاده<sup>(ع)</sup> از کلام خود به عنوان حربه‌ایی برای بیدارسازی مخاطب و جامعه بهره می‌برند، درحالی‌که امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر در مقام بیان و خطابه هستند، بدین جهت سخنان ایشان روان‌تر و ساده‌تر است.

۱. سامع: شنونده؛ سابق کل فوت: پیشی گیرنده بر هر زوال‌یابنده؛ الهم: غم و اندوه؛ قدیر: توانا؛ حسی: مراکفایت می‌کند؛ الاسقام: سقم دردها و مرضی؛ الحمام: مرگ‌ها؛ دار السلام: کنایه از قیامت؛ الحویه: گناه؛ کل غریب غارم: هرکه از انجام کار خویش خودداری کند دچار خسران خواهد شد؛ الاخذ بالتواص: گرفتن موی پیشانی (کنایه از قیامت و سنجش اعمال)؛ دار الهوان: کنایه از دنیا. در این شاهد مثال، آرایه اقتباس نیز وجود دارد.

## ❖ جناس

سال سوم، شماره نهم، بهار ۱۳۹۴

به آن تجنیس و مجانسه نیز گویند، عبارت است از توافق دو لفظ در نطق با وجود اختلافشان در معنا (لادقی، ۱۹۶۳م: ۲۰۷). سبب این نام‌گذاری آن است که ترکیب حروف الفاظ آن از یک جنس هستند. جناس دو گونه است: تام و ناقص (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۷۶).

انواع آن عبارت‌اند از:

### ۱. جناس مضارع

جناسی است که در آن دو حرف مختلف و هم‌مخرج وجود دارد. مقصود از تقارب آنچه در نزد علمای تجوید است، نیست، بلکه شامل حروف هم‌مخرج می‌شود (تونانی، بی تا: ۱۳۰).

این صنعت، برخی اوقات در مباحث علم تجوید نیز مورد بررسی قرار می‌گیرد. نمونه‌های آن در صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- و إن رَدَدْتَ مع ذلک سُؤالی وخابت إلیک اُمالی (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۴).

- و بیکَ أَعُوذُ و بیکَ أَلُوذُ (همان: ۱۱۸).

- حینَ تَطَوَّلْتَ عَلیَّ بِالرُّضَا وَ تَفَضَّلْتَ بِالغَفْوَعِمَا مَضَى (همان: ۴۴).

- و افْتَحَ لَهُ فِتْحاً یَسیراً و اجْعَلَ لَهُ من لَدُنْکَ عَلی عَدُوکَ وَ عَدُوَّهُ سُلْطَاناً نَصیراً (همان: ۵۴).

شاهد در «سوالی و اُمالی»، «أعوذ و ألوذ»، «تطوّلت و تفضّلت»، «یسیر و نصیر» است که حروفش متقارب‌المخرج‌اند، در موارد مثالی بالا، امام رضا<sup>(ع)</sup> با ظرافت بسیار بالای این صنعت را به‌کار برده‌اند.

نمونه‌های آن در کلام امام<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- أما أُعْبِرَتْ بِنَمی مَضَى من أَسْلاَفِکَ وَ من وارتَه الارضَ من آلاَفِکَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۴).

- تَمکُنُّ من دُنْیاه، و نال منها مُناه (همان: ۱۸۷).

– وکثرة تعبیه فی طلابها، و تکادحه فی إكتسابها و تکابده من أسقامها وأوصابها (همان: ۱۹۲).<sup>۱</sup>  
شاهد در «أسلافک و آلفک»، «دنیاه و مناه» و «تکادحه و تکابده» است که حروفش متقارب  
المخرج اند. این تقارب تلفظی و مخرجی باعث زیباتر شدن کلام حضرت شده است و  
شنونده متأثر از شباهتی که میان حروف دو لفظ متفاوت احساس می‌کند، سرخوش می‌شود.  
به‌کارگیری این صنعت باعث می‌شود تا القای کلام به‌وسیله مخاطب نیز روان‌تر و  
سهل‌تر شود، چرا که جناس مضارع به‌خاطر زیبایی که دارد موجب آمادگی بیشتر مخاطب  
برای شنیدن و برداشت مفهوم ذهنی‌گوینده شده و این امر از ویژگی‌های اختصاصی این  
صنعت است.

زیبایی کلام ائمه<sup>(ع)</sup> در این‌گونه شواهد مثالی فنی آشکارتر می‌شود. هر دو امام همام<sup>(ع)</sup>  
به‌خوبی از این صنعت استفاده کرده‌اند. کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> عقلانی‌تر و رسمی‌تر و به‌نوعی  
مانند اسلوب علمی بوده، درحالی‌که کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> از سلاست خاصی برخوردار است و  
واژه‌های راحت‌تر و همگون‌تری را به‌کار برده‌اند.

## ۲. جناس اشتقاق و شبه‌اشتقاق

دو نوع دیگر نیز به جناس، ملحق می‌شوند، یکی، اشتقاقی که دو لفظ را با هم جمع کند،  
دوم، مشابهت دو لفظ را جمع کند که شبه‌اشتقاق نامیده می‌شود (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۰).

### جناس اشتقاق

به‌کارگیری اشتقاق‌ها از یک ماده لغوی را گویند، دیور جراند و دریس‌لر آن‌را «تکرار  
جزئی» می‌نامند. اتحاد ریشه معجمی از دو طرف را گویند. آنچه اشتقاق را از دیگر نمونه‌های  
تکرار جدا می‌سازد، احتمال گوناگون بودن شاهد مثال‌های آن است، چون امکان دارد از یک

---

۱. سؤال: خواسته؛ آمالی؛ آرزوهایم؛ آلود؛ پناه بردن؛ تفضلت بالعفو؛ با بخشش به من لطف کردی؛ عما مضی: آنچه گذشته؛  
یسیر: آسان؛ أسلافک: گذشتگان؛ آلفک: کنایه از تعداد زیاد؛ تکادح: تلاش و جدیت؛ تکابد: رنج و عذاب؛ اوصابها: درد و  
درماندگی از شدت غم و مصیبت‌ها.

❖ ماده بیش از یک اشتقاق باشد، در این زمینه زبان عربی از دیگر زبان‌ها متمایز می‌شود (همان).

پیرامون این آرایه، نمونه‌های فراوانی در صحیفه امام رضا<sup>(ع)</sup> وجود دارد، از جمله:

- إلهی بَدَتْ قُدْرَتُكَ وَلَمْ تَبْدُ هَيْئَةُ لَكَ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۶).

- فَجَهْلُوكَ وَقَدْرُوكَ وَالتَّقْدِيرُ عَلَى غَيْرِ مَا بِهِ شَبَّهُوكَ، فَإِنَّا بَرِيءٌ يَا إلهی مِنَ الذِّينِ بِالتَّشْبِيهِ طَلَبُوكَ (همان: ۵۴).

- اللَّهُمَّ وَأَمِنَهُ بِأَمَانِكَ الْوَثِيقِ وَانصُرْهُ بِنصْرِكَ الْعَزِيزِ .... وَ قُوَّةَ بَقْوَتِكَ ..اللَّهُمَّ وَالِ مِنَ الْوَالِهَةِ وَعَادَ مِنَ عَادَاهِ (همان: ۵).

- حَتَّى تَحْلَيْنَا مَحَلَّهُ (همان: ۵۴).

در «بدت و تبد»، «قدروک و التقدیر»، «انصر و قوّة»، «ال و عاد» و «حلّ و تحلّ» این نوع جناس وجود دارد. در این مورد برتری و ظرافت امام<sup>(ع)</sup> در کاربرد این آرایه در سخن نمایان است.

شواهد آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- بلی أوردته بعد عزٍّ ومنعَةٍ موارد سوء ما لهنّ مصادر (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۳).

- والله يعلمُ أَنَا لَا نُحِبُّكُمْ وَلَا نَلُومُكُمْ أَنْ لَا تُحِبُّونَا (همان: ۲۴۷).

- من عرف الرَّبَّ فَلَمْ تَعْنِهِ معرفة الرَّبِّ فذاك الشَّقَى (همان: ۲۴۸).

در «أورد و موارد»، «نحبکم و تحبون» و «عرف و معرفة» این نوع جناس وجود دارد. برتری و ظرافت امام<sup>(ع)</sup> در کاربرد این آرایه در سخن نمایان است. کاربرد همگون ریشه‌ها منجر شده است کلام نوعی آهنگ و ریتم به خود بگیرد و تلفظ آن روان‌تر و سلیس‌تر شود. از رهگذر این موضوع، کلام گوینده در سیاق بهتری قرار گرفته، مطلوب طبع واقع شده است و تأثیر کامل‌تری بر مخاطب می‌گذارد.

۱. بدت: آشکار شد؛ قدروک: تو را به‌شمار آوردند؛ شبّهوک: تو را تشبیه کردند؛ آمنه بامانک: او را به امان خودت امان بده؛ وال من والاه و عاد من عاداه: هر که او را دوست دارد، دوست بدار و دشمنش را دشمن بدار؛ آوردته: وارد ساختند؛ العز والمنعّة: بزرگی و عزیز بودن؛ الشقی: گمراه.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۳۹

هر دو امام<sup>(۴)</sup> نصیحت‌گونه عمل می‌کنند و صبغه ارشاد بر کلامشان، غلبه تامی دارد، البته کلام امام رضا<sup>(۴)</sup> نوعی استیناس دربر دارد، البته امام سجاده<sup>(۴)</sup> نیز از این مهم بی‌بهره نبودند بیشتر از اسلوب حکیم و مذهب کلامی و سایر صنایع بلاغی عقلانی و اثباتی مانند کیفیت شناخت خدا در مثال سوم استفاده کرده‌اند.

### جناس شبه‌اشتقاق

آنگاه که دو لفظ جناس از یک ریشه مشتق نشوند ولی میان حروف مشابهت فراوانی باشد، به گونه‌ای که مخاطب تصور کند که آن دو از یک ریشه مشتق شده‌اند، در اینجا جناس شبه‌اشتقاق وجود دارد که آن را جناس «مشابهت یا جناس مطلق» نیز می‌نامند. نمونه‌های آن در صحیفه‌الرضا<sup>(۴)</sup> عبارت‌اند از:

- حتی لایستخفی بشیء من الحق مخافة أحد من الخلق (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۶).

- و بالله أستنجح و بمحمد رسول الله وآل محمد ... وعلیهم أتوجه (همان: ۸۲).

در کلمه‌های «الحق و الخلق» و «أستنجح و أتوجه» این آرایه وجود دارد چراکه شنونده گمان می‌کند از یک ریشه‌اند حال آنکه این گونه نیست.

نمونه‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(۴)</sup> عبارت‌اند از:

- وكنن فی توین واجتمعت له مُشِيعَةً إخوانه والعشائر (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۶).

- أكابر اولاد یهیج إكتئابهم إذا ما تناساه البنون الاصغر (همان: ۱۹۷).

- لنحن علی الحوض رُوادة نُدود و نسقی رُوادة (همان: ۲۰۲).<sup>۱</sup>

در کلمه‌های «مُشِيعَةً و العشائر»، «أكابر و إكتئابهم» و «رُواد و رُواد» این آرایه وجود دارد چراکه شنونده گمان می‌کند از یک ریشه‌اند حال آنکه این گونه نیست. پی بردن به همین خطای ذهنی باعث تلذذ مخاطب و توجه بیشتر به کلام شده است تا از خطای احتمالی

۱. مخافة: به‌خاطر ترس؛ استنجح: طلب خوشبختی و موفقیت می‌کنم؛ مشیعه: تشیع‌کنندگان؛ الاکتساب: اندوه و سرخوردگی؛ الاصاغر: یاران؛ رُواد: ساقی؛ رُواد: واردشوندگان.

❖ مجدد در امان باشد، از دیگر سو، همین تشابه که در واقع عدم تشابه بوده، باعث جای‌گیری بهتر کلام در ذهن مخاطب شده است و پس از فهم تفاوت بین دو کلمه، مطلب برایش لذت‌بخش‌تر می‌شود.

این صنعت به‌خاطر فنی بودن، بیشتر در کلام بزرگان ادب و بلاغت عربی و موارد گوناگونی از آن در کلام هر دو امام<sup>(ع)</sup> وجود دارد، همین امر مهر تأییدی بر توان ادبی امامان همام<sup>(ع)</sup> است. این شاهد مثال واضح نیاز چندانی به توضیح ندارد و در زیبایی آن همین بس که به‌مثابه ترازویی برای نمایاندن توان ادبی و بلاغی فرد است.

### ۳. جناس مُصَحَّف

یعنی دو لفظ در تعداد حروف و ترتیب، مشابه و در نقطه‌ها، مختلف باشند، به‌گونه‌ای که اگر یکی از نقطه‌ها زدوده شود، از کلمه دیگر متمایز نمی‌شود (تونانی، بی‌تا: ۱۲۸).

شاهد آن در صحیفه‌الرضا<sup>(ع)</sup> عبارت است از:

– والله مُحِيطٌ بِي وَيَحْجِزُكَ عَنِّي وَيَحُولُ بَيْنِي وَبِحَوْلِهِ وَقُوَّتِهِ (قبومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۲).

شاهد در «یحولُ و بِحَوْلِ» است که «الباء و الیاء» در آن اختلاف دارند. این آرایه بر زیبایی کلام حضرت افزوده است.

شاهد آن در کلام امام<sup>(ع)</sup> عبارت است از:

– عُدْ إِلَى ذِكْرِ الْمُنْقُولِ إِلَى التَّرِيِّ، وَالْمَدْفُوعِ إِلَى هَوْلِ مَا تَرِي (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۹).<sup>۱</sup>

شاهد در «تری و تری» است که «ث و ت» در تعداد نقطه‌ها اختلاف دارند. اگر نقطه‌های این دو لفظ برداشته شود، خواننده دچار تشویش می‌شود. از دیگر سو، همین اختلاف ساده گاهی منجر به قرار گرفتن مخاطب در ورطه‌ی حالتی معماگونه در خواندن کلام و درک مفهوم مدنظر باشد. وجود این آرایه بر زیبایی کلام امامان همام<sup>(ع)</sup> افزوده است.

۱. محیط بی: مرا در احاطه خویش دارد؛ یحول: مانع می‌شود؛ المنقول الی التری: به خاک بازگشته؛ هول: ترس.



#### ۴. جناس لاحق

یعنی اختلاف در نوع حروف باشد، حال آنکه وزن یکی است و تقابری میان دو کلمه نیست. این اختلاف یا در ابتدا یا در وسط یا در پایان قرار می‌گیرد (جرجانی، ۲۰۰۳م: ۲۳۱).

شواهد آن در *صحیفه‌الرضا*<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- آن ترحم والدی الغریبین فی بطن الجنادل، البعیدین من الأهل والمنازل (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۴۴).

- یا سامع کل صوت ویا سابق کل فوت (همان: ۴۸)، در این مورد جناس مضارع نیز به‌کار رفته است.

- التي یرجع إليها العالی ویلحق بنا التالی (همان: ۴۳).

- اللهم أمنحنا أكتافهم وملکنا أكتافهم (همان: ۸۶).

«الغریبین و البعیدین»، «سامع و سابق»، «العالی و التالی» و «أمنحنا و ملکنا» نمونه‌هایی از جناس لاحق‌اند که بر زیبایی کلام حضرت رضا<sup>(ع)</sup> افزوده است.

شواهد آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- بذلک جرى القلم علی صفحة اللوح فی القدم فما هذا التلّيف والتّدم (عبداللّهی، ۱۳۸۳: ۲۱۴).

- أفراسها غائرة وسطواتها قاهره (همان: ۲۱۶).

- فقرب الزاد لیوم المعاد، ولا تنوط علی غیر مهاد (همان: ۲۱۶).

- ومن ساءنا ساء میلاده فیوم القيامة میعاده (همان: ۲۰۲).<sup>۱</sup>

«قلم و قدم»، «غائرة و قاهره»، «المعاد و مهاد» و «میلاده و میعاده» نمونه‌هایی از جناس لاحق‌اند که بر زیبایی کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> افزوده است، در اکثر موارد کلام امامان همام<sup>(ع)</sup> دربردارنده موارد متنوعی از مثال‌ها است.

۱. بطون الجنادل: دل خاک‌ها کنایه از قبر؛ سابق کل فوت: پیشی‌گیرنده بر هر زوال‌یابنده؛ أمنحنا أكتافهم وملکنا أكتافهم: پروردگارا آنان را به اسارت ما و سرزمین‌هایشان را به تصرف ما دریاور؛ التلّيف والتّدم: افسوس و پشیمانی؛ افراسها غائرة: کنایه از نزدیک شدن اجل فرد با گذر زمان؛ وسطواتها قاهره: هجوم‌هایش درهم شکننده است؛ علی غیر مهاد: زمین ناهموار.

## ۵. جناس غیر تام «مکتف الوسط»

قیدی از قیدهای مذکور که در جناس تام مختلف باشد و دو گونه است: یکی اینکه به زیاده، یک حرف در اول یا وسط یا آخر مختلف باشند، دوم اینکه به زیاده، بیش از یک حرف مختلف باشند (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۷۷). شواهد آن در *صحیفه الرضا*<sup>(۱)</sup> عبارت‌اند از:

– فَإِنَّ اسْتِدْكَ بِنَا غَيْرِنَا عَلَيْكَ يَسِيرٌ وَ هُوَ عَلَيْنَا عَسِيرٌ (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۷۲).

– وَ الْفَضْلُ وَ الْفَضِيلَةُ (همان: ۸۲).

– وَلَا يَمْتَلُ بِنَظِيرٍ وَلَا يَغْلَبُ بِظَهِيرٍ (همان: ۸۸).

– اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى نُوْرِكَ وَ سِرَاجِكَ وَ وَليِّ وَلِيكِ وَ وَصِيِّ وَصِيِّكَ (همان: ۲۳۸).

در «یسیر و عسیر»، «الفضل و الفضيلة»، «نظیر و ظهیر» و «ولی و لیک و وصی و وصیک» این آرایه ادبی ملاحظه می‌شود.

شاهد آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت است از:

– كَيْفَ أَمِنَتْ هَذِهِ الْحَالَةَ وَأَنْتَ صَائِرٌ إِلَيْهَا لَا مُحَالَةَ (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۰۰).

در «الحالة و المحالة» این آرایه ادبی ملاحظه می‌شود. در این شاهد مثال، تفاوت بین دو مورد تنها در یک حرف است که با کاهش یا افزایش آن، معنی کلمه و در فضای کلی‌تر معنای جمله تغییر می‌یابد.

اینجاست که مفهوم آرایه‌های لفظی و تأثیر آن بر زیبایی ظاهری کلام آشکار می‌شود. این آرایه در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> به وفور وجود دارد، چون حضرت در دایره بیانی وسیع‌تری سخن می‌گفتند، توان بیشتری برای بازی با الفاظ نیز داشتند، درحالی که امام سجاده<sup>(ع)</sup> معمولاً از دعا و کلام خویش، هدف اصلاح فرد و اجتماع را داشتند، بدین جهت توان کمتری در بازی با الفاظ مهیا بود.

## ۶. جناس مکرر

به آن، جناس مزدوج یا مردد نیز می‌گویند، یعنی دو رکن مجاور از جناس‌ها در نهایت

۱. یسیر: آسان؛ عسیر: سخت؛ ظهیر: پشتیبان؛ سراجک: چراغ رهنمایت برای بندگان؛ الحالة: شرایط؛ لا محالة: بدون شک.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۳

سجع، در نثر یا نظم بیاید (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۸۱).

شواهد آن در *صحیفة الرضا*<sup>(۱)</sup> عبارت‌اند از:

– اللهم فادعنی يومَ حَشْرَى و نَشْرَى (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۶۰).

– راموا اقامة الإمام بعقول حائرةٍ بائرةٍ (همان: ۲۵۸).

شاهد مثال در «حشری و نشری» و «حائرةٍ و بائرةٍ» است و به خاطر سلیس بودن، باعث راحتی تلفظ و زیباسازی جمله شده‌اند.

شواهد آن در کلام امام سجاده<sup>(۲)</sup> عبارت‌اند از:

– أين السلف الماضون، والأهلون والأقربون؟ والاولون والآخرون (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۱۷).

– أفرح بنعيم زائل، وسُرورٍ حائلٍ ورفیقٍ خاذلٍ (همان: ۲۲۱).

مثال‌های بالا به خاطر سلیس بودن، باعث راحتی تلفظ و زیباسازی جمله شده‌اند. مثال‌هایی که می‌آوریم علاوه بر دارا بودن شاهد مثال‌های مطرح، موارد بلاغی دیگری نیز دربر دارند، مثلاً شاهد مثال اول امام سجاده<sup>(۲)</sup> علاوه بر جناس مکرر دارای صنایع طباق و مراعات نظیر نیز است.

### رد العجز علی الصدر

اینکه یکی از دو لفظ مکرر «متفق در لفظ و معنی» یا مجانس «متفق در لفظ و نه در معنی» یا ملحق به آن دو، یکی در اول و دیگری در آخر بند بیاید، این مورد دلالت بر توان شاعر، آشنایی وی با ظرافت‌های سخن و اطاعت الفاظ از او دارد، آنگاه که جمله‌ای می‌خوانیم احساس می‌کنیم الفاظ آن با هم در ارتباط‌اند، گویا معنی فاصله‌ها یکسان است (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۹۸).

شاهد آن در *صحیفة الرضا*<sup>(۱)</sup> عبارت است از:

۱. يوم حشری و نشری: کنایه از قیامت؛ عقول حائرةٍ بائرةٍ: کنایه از پریشان بودن و متأثر از شدت حادثه؛ السلف الماضون: گذشتگان؛ النعم الزائل: نعمت‌های گذرا؛ سرور حائل و رفیق خاذل: شادی گذرا و دوست خائن و خوارکننده.

- ولا كان قبلك إلهٌ ندعوه ونُتَعَوَّذُ به ونُتَضَرَّعُ إليه ونُدْعُكُ (قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۸۰).

شواهد آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- جزائی تُعَدِّبُنِي وَلَكِنْ أَعُوذُ بِحُسْنِ عَفْوِكَ عَنْ جِزَائِي

رجائی کان مُنْقَطِعاً بَدْنِي رَجَائِي مِنْكَ حَقَّقَ رَجَائِي (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۷۱).

- وَيَنْسُجُ أَمَالاً طَوَالاً بَعِيدَةً وَيَعْلَمُ أَنَّ الدَّهْرَ لِلنَّسِجِ خَارِقُ (همان: ۲۲۱).<sup>۱</sup>

این موارد شواهد فراوانی در کلام حضرت دارد و دلالت بر توان و آشنایی ایشان با ظرافت‌های سخن و اطاعت‌الفاظ از امامان هم‌ام<sup>(ع)</sup> دارد. از دیگر سو، آنگاه که این‌گونه اشعار را می‌خوانیم، احساس می‌کنیم الفاظ آن به‌نوعی با هم در ارتباط‌اند، گویا معنی فاصله‌ها یکسان است. به همین دلیل، مخاطب به محض شنیدن سرآغاز کلام می‌تواند جمله‌های پایانی را حدس بزند، همین امر باعث زیباتر شدن جمله و دلچسب‌تر شدن مطلوب و مقصود‌گوینده بر مخاطب می‌شود. وجود این صنعت بدیعی در سخن فرد نشان از قدرت بیانی و تسلط وی بر شیوه‌های بدیعی دارد، البته این نکته درباره امامان معصوم<sup>(ع)</sup> نیز مصداق دارد.

### سجع

اصل کلمه سجع از «سجعت الناقاة» گرفته‌شده و آن زمانی است که شتر ماده صدایش را در حالتی مشخص بکشد، سجع در صورتی صحیح است که دارای یکسری شروط باشد، از جمله: داشتن الفاظ زیبا و خوش مدل بودن، طوری که شنونده از شنیدن آنها لذت ببرد، الفاظ در خدمت معانی باشند، معانی به‌دست‌آمده از این الفاظ زشت نباشند و هر یک از سجع‌ها بر معنی متفاوت با سجع قبلی دلالت داشته باشند تا سجع مورد نظر، به‌نوعی تکرار بی‌فایده تبدیل نشود (تونانی، بی‌تا: ۱۳۴).

۱. ندعوه: او را بخوانیم؛ نتعوذ به: به او پناه ببریم؛ نتضرع الیه: برایش خضوع کنیم؛ تعذبني: عذابم می‌دهد؛ منقطع: قطع شده؛ والدهر للنسج خارق: کنایه از اینکه آرزوها را به هیچ و بوج مبدل می‌کند.

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۵

سجع بر کلمه آخر بند اطلاق می‌شود البته بنا بر توافقش با کلمه آخر بند قبلی، گاهی اوقات نیز فقط بر خود این توافق بدون توجه به بندها اطلاق می‌شود (کریمی، ۱۳۷۵ق: ۱۷۵).  
بنابراین سجع یعنی همگونی حرف آخر کلمه‌ها در تمام موارد، به جز وزن؛ بهترین نوع سجع آن است که فقره‌هایش با هم مساوی باشند. سجع چهار گونه است: متوازی، مطرف، مرصع و مشطور (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۸۹).

بهترین سجع آن است که طبیعی، خودجوش و بدون تکلف باشد (لادقی، ۱۹۶۳م: ۲۱۱).  
بنابراین سجع در نثر مانند وزن در شعر است.  
انواع سجع‌ها عبارت‌اند از:

### ۱. سجع متوازی

همراهی لفظ آخر از ابتدای بند اول با کلمه آخر از بند دوم در لفظ و وزن و روی است (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۸۹).

مثال‌های آن در *صحیفه‌الرضا*<sup>(۱)</sup> عبارت‌اند از:

- من مشارك الأرض و مغاربها و برها و بحرها و سهلها و جبلها (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۶).

- اللهم یا فارج الهمّ و كاشف الهمّ (همان: ۱۳۲).

- یا ماجد یا کریم، یا واحد و یا کریم (همان: ۱۳۴).

در مثال‌های بالا «فارج و الهمّ» تأثیر بارزی بر زیبایی کلام گذاشته‌اند.

شاهد مثال‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(۲)</sup> عبارت‌اند از:

- أتاه من الله ما لا یرده و نزل به من قضائه ما لا یصدّه (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۸۸).

- فلم تعرّسه من صرعته ولم تقله من عثرته (همان: ۱۹۳).

- حیث لا ینفعه الاستعبار ولا ینجیه الاعتذار من هول المنیة و نزول البلیة (همان: ۱۹۴).<sup>۱</sup>

۱. البرّ والبحر: خشکی و دریا؛ السهل و الجبل: دشت و کوه؛ فارج الهمّ و کاشف الهمّ: برطرف‌کننده غم‌ها و رنج‌ها؛ یا ماجد: ای بخشنده؛ ما لا یرده: آنچه که نمی‌توان بازگرداند؛ ما لا یصدّه: آنچه که نمی‌توان با آن مقابله کرد؛ صرعته: او را بر زمین زد؛ عثرته: لغزش‌هایش؛ الاستعبار: سرازیر شدن اشک؛ نزول البلیة: فرود آمدن بدبختی.

در مثال‌های بالا، شواهد این نوع از جناس تأثیر بارزی بر زیبایی کلام گذاشته‌اند، همین جاست که تأثیر بارز سجع بر زیباسازی کلام مشخص‌تر می‌شود، چرا که همین جمله‌های زیبا و باحساس و آهنگین اگر خالی از سجع بود چیزی جز مجرد یکسری لفظ نبود، حتی اگر معنی را نیز افاده می‌کردند، البته این بدین معنا نیست که در آوردن این گونه صنعت‌ها افراط صورت گیرد، بلکه بایستی میانه‌روی رعایت شود. مبحث سجع به‌خاطر هماهنگی که متأثر از همگونی بین الفاظ ایجاد می‌کند، بسیار مقبول خواننده و شنونده می‌شود، به همین جهت ادباء، توجه و اهتمام خاصی به این صنعت بدیعی داشتند. بهترین نوع سجع، آن است که آسان، غیر عمدی و بدون تکلف و تصنع باشد.

این صنعت بدیعی، در کلام امام رضا<sup>(ع)</sup> بیشتر خودنمایی می‌کند. این مهم نشان از برتری ایشان یا ضعف امام سجاده<sup>(ع)</sup> در کلام ندارد، بلکه همان‌گونه که بیان شد امام سجاده<sup>(ع)</sup> متأثر از شرایط مخاطب، به‌خاطر رعایت مقام و برای القای بهتر کلام، ناچار بودند اسلوبی عقلانی‌تر و رسمی‌تر در پیش گیرند.

## ۲. سجع مطرف

اگر دو لفظ در وزن، متفاوت و در قافیه، همگون باشند، سجع مطرف نامیده می‌شود (قزوینی، ۱۴۳۰ق: ۳۸۴).

شواهد مثال‌های آن در صحیفه عبارت‌اند از:

– اللهم اهدنا فیمن اهدیت وعافنا فیمن عافیت (قیومی‌اصفهانی، ۱۳۷۸: ۱۹۸).

– یا الله یا ربَّ الأرباب ویا سید السادات (همان: ۱۷۸).

شاهد در «اهدیت و عافیت» و «الارباب والسادات» است. آنچه در جناس مطرف مهم بوده، خیال خواننده بر تکرار لفظ اول است و آنگاه که یک حرف دیگر بر آن وارد شود، از ذهنیت قبلی بازگردد (عبدالحمید، ۲۰۰۱م: ۱۰۶).

شاهد مثال‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

محسنات لفظی در کلام امام رضا و ... ❖ ۱۴۷

– فلورایت الاصر من اولاده، وقد غلب الحزن علی فؤاده (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۱۹۷).

– والتبس علیه أمره من الاولاد ومفارقة الآباء والاجداد والإمتعاض بشماتة الحساد (همان: ۲۱۲).<sup>۱</sup>

شاهد در «اولاد و فؤاد» و «الاجداد و الحساد» است (عبدالحمید، ۲۰۰۱: ۱۰۶).

همین امر منجر به زیباسازی کلام از یکسو و جاگیری بهتر مطلب در ذهن مخاطب از

دیگر سو می‌شود. در این مجال هر دو امام<sup>(ع)</sup> به زیبایی این صنعت را به کار گرفته‌اند.

### ۳. سجع مرصع

آن است که الفاظ در هر دو بند از نظر وزن و قافیه همگون باشند.

مثال‌های این صنعت در صحیفه عبارت‌اند از:

– اللهم وطهر منهم بلادک وأشف منهم عبادک وأعزّ به المومنین وأحی به سنن المرسلین

(قیومی اصفهانی، ۱۳۷۸: ۵۶).

– أسألک کفاية الأذى، والعافية والشفاء، والنصر على الأعداء، والتوفيق لما تُحب وترضى (همان:

۱۳۸).

شاهد در «طهرّ منهم بلادک و أشف منهم عبادک» و «و أعزّ به المومنین و أحی به سنن المرسلین» است.

از مثال‌های آن در کلام امام سجاده<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

– أتفرح بنعيم زائل وسرور حائل ورفیق خاذل (عبداللهی، ۱۳۸۳: ۲۲۱).

– إلى كم تكدح ولا تنقع، وتجمع ولا تشبع، ماذا رأى العازب والرشد الغائب والأمل الكاذب (همان:

۲۲۲).

– فیا قلیل التّحصیل ویا کثیر التّعطیل ویا ذا الأمل الطّویل (همان: ۲۲۳).<sup>۲</sup>

۱. یا ربّ الأرباب و یا سید السادات: کنایه از ذات باری تعالی؛ الفؤاد: قلب؛ التبس امره: کارش دچار پیریشانی شد، سرگردان شد؛

الامتعاض بشماتة الحساد: از سرزنش سرزنشگران ناراحت شد.

۲. وطهرّ منهم بلادک و أشف منهم عبادک: پروردگارا شهرهایت را از ایشان پاک و بندگانت را از ایشان شفا ده؛ کفاية الاذى:

کفایت کردن آزار و اذیت؛ سرور حائل و رفیق خاذل: شادی گذرا و دوست خائن و خوارکننده؛ تکدح: تلاش می‌کنی؛ الرای

العازب: اندیشه دور و دراز (کنایه از طمع زیاد)؛ کثیر التّعطیل: بسیار بی‌توجه به امر قیامت.

در سجع، بیان قرینه مهم است. اگر در این زمینه اختلالی پیش آید زیبایی را از بین می‌برد، چون همین زیباگویی باعث متمایز و دلچسب شدن جمله می‌شود. هرچه کلمه‌ها از نظر وزن و قافیه همگون‌تر باشند، زیباتر است، بدین صورت که اگر این موارد حذف شوند، جمله، خشک و بی‌روح می‌شود. بهترین سجع آن است که در تعداد و نوع کلمه‌ها همگون باشد. زیبایی جمله نیز از همین همنشینی متأثر می‌شود، مفردات جمله باید زیبا، پرکاربرد و غیرتکراری بوده و فاصله‌ها نیز سکون داشته باشند (محمود یاسین، ۱۴۱۸ق: ۷۷).

سجع مرصع به تأثیرگذاری کلام کمک شایانی می‌کند و به‌خاطر آهنگ همگونی که به سخن می‌دهد، در جان شنونده تأثیر می‌گذارد، از همین روی کاربرد این صنعت در کلام امام سجاد<sup>(ع)</sup> بیشتر دیده می‌شود که البته با توجه به مقصود حضرت کاربست این صنعت مقبول‌تر بوده است تا بتواند بر خواننده تأثیرگذارتر باشد.

### لزوم ما لایزم

به این صنعت «الترزام، تضمین، تشدید و إعانت» نیز گفته می‌شود، یعنی ادیب قبل از حرف روی- یا همان قافیه- در شعر یا آنچه در معنی حرف روی است در نثر- یعنی قبل از حرف پایانی جمله- حرفی بیاورد که لزومی ندارد و بدون آن نیز سجع یا قافیه کامل باشد (تفتازانی، ۱۴۲۲ق: ۲۳۹).

شاعر یا ناثر قبل از حرف آخر در بیت‌ها یا سجع‌های خویش ملتزم به چیزی شود که نیازی بدان نیست، بدین صورت که به دو یا سه حرف آخر در وزن و... که در نظام قافیه‌بندی نیازی به همگونی آنها نیست، ملتزم شود (ابوالعدوس، ۱۴۲۷ق: ۲۹۵).

نمونه‌های آن در صحیفه عبارت‌اند از:

– أن ترحمَ والِدیَّ الغریبِینَ فی بُطونِ الجنادِلِ، البعیدِینَ مِنَ الأهلِ والمَنازلِ (قیومی اصفهانی،

۱۳۷۸: ۴۴).

– و إن رددتَ مع ذلک سُوالی و خابَتِ إلیکَ آمالی (همان: ۴۴).



- أحيانَ تطولتْ علي بالرضا وتفضلتْ بالعفو عمّا مضى أم حينَ زدت العفو والغفران، باستيناف الكرم والإحسان (همان: ۴۴).

نمونه‌های آن در کلام امام<sup>(ع)</sup> عبارت‌اند از:

- ألا أيها المأمول في كل حاجتي  
شكوتُ إليك الضّرّ فاسمع شكايي  
ألا يا رجائي أنت كاشف كرتي  
فهب لي ذنوبي كلّها واقض حاجتي (عبداللهي، ۱۳۸۳: ۱۸۱).

- ليت شعري هل عاقل في الدياجي بات من فجعة الزمان بناجي (همان: ۱۸۲).

- فحسن الأعمال وجمّل الأفعال وقصر الآمال الطوال (همان: ۲۱۳).<sup>۱</sup>

در این صنعت و همه محسنات لفظی، مهم، غیر عمدی بودن آن است. در این صنعت نباید اثری از تکلف و صنعت‌پردازی وجود داشته باشد، چرا که همین مسائل غیرلازم منجر به سنگین‌تر شدن مطلب و دیرفهم‌تر شدن مقصود می‌شود. کاربرد این صنعت لفظی شاهد مثالی است بر توان بیانی و بلاغی گوینده که البته امامان همام<sup>(ع)</sup> در این زمینه از بکه‌تازان ادب عربی بودند و دعاها و گفته‌هایشان بر تارک ادبیات عربی می‌درخشد.

## نتیجه‌گیری

از نتایج مهم به‌دست‌آمده از مقاله پیش‌رو این است که:

هر دو امام<sup>(ع)</sup> توجه بالایی به ساخت و بافت کلام داشته و سعی کرده‌اند معانی خویش را در قالب بهترین الفاظ بیان کنند، بدون اینکه از ارزش معنایی آن کاسته شود. طبیعی است که امام سجاده<sup>(ع)</sup> متأثر از عرب بودن جامعه عصر خویش الفاظ سنگین‌تری به‌کار گیرند و امام رضا<sup>(ع)</sup> متأثر از شرایط محیطی و اجتماعی عصر خویش، زبانی ساده‌تر به‌کار بندند. از دیگر سو، امام سجاده<sup>(ع)</sup> در کلام خویش بیشتر عقلانی و رسمی سخن گفته‌اند، به همین

۱. السؤال: خواسته؛ آمال: آرزو؛ تفضلت: لطف کردی؛ حاجت: درخواست، نیاز؛ الضّر: سختی و تنگدستی؛ یا کاشف کرتی: ای برطرف‌کننده‌اندوه من؛ اقض حاجتی: درخواستم را اجابت کن؛ الدياجی: تاریکی‌ها؛ فجعة الزمان: مصیبت‌های روزگار؛ بناجی: در امان.

❖ دلیل، سخن ایشان صلابت بیشتری دارد، البته چون ایشان در مقام اصلاح جامعه بودند، این کاربرد طبیعی به نظر می‌رسد.

بارزترین جزئیات بنای متن ادبی مانند: سجع، جناس و سایر محسنات لفظی در کلام هر دو امام<sup>(ع)</sup> وجود دارد. هدف تمام این محسنات، بیان مفاهیم ذهنی گوینده به بلیغ‌ترین شکل است.

نوع گفتار این دو بزرگوار از این مهم پرده برمی‌دارد که ایشان در سخنان و دعاهای خویش، زبانی آسان به کار می‌گرفتند که دارای ویژگی‌های زیبای بیانی، سلیس بودن عبارتها و آهنگین بودن است. به علاوه سخنانشان، خالی از الفاظ غریب و ترکیب‌های پیچیده بود و بیشتر گرایش به تجدید و ابتکار داشتند، تمام این موارد منجر شده تا کلام، تأثیر فنی و جمالی خاصی بر متن ادبی داشته باشد، اهمیت معنی و ارزش آن در کلام آشکارتر می‌شود و توجه بالای امامان<sup>(ع)</sup> به الفاظ و موسیقی ترکیب‌ها و تمرکز ایشان بر ریختن این موارد در قالب اسلوب جذاب را می‌رساند. البته ایشان تلاش بالایی برای خلق معانی و نوآوری انجام دادند.

در موازنه حاضر، از گذر بیان شواهد مثالی گوناگون در کلام هر دو امام معصوم<sup>(ع)</sup>، بیان و توان تحلیل این دو بزرگوار در زمینه بلاغت عربی و چگونگی به‌کارگیری محسنات لفظی، مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت تا از این رهگذر اثبات شود این بزرگواران در کنار قیادت دینی، در زمینه بلاغت و بیان عربی نیز یکه‌سوارانی بی‌بدیل بودند.

درخصوص صنایع بدیعی، اینکه بگوئیم نقش کدام یک از این محسنات بارزتر است قدری مشکل می‌نماید، ولی آنچه از رهگذر بررسی روشن شد اینکه نقش سجع و جناس به‌خاطر تأثیرگذاری بیشتری که بر مخاطب دارد، بیشتر از سایر محسنات لفظی است و به‌خاطر تأثیرگذاری بیشتری که بر موسیقی کلام و ماهیت صوتی کلمه‌ها دارد، بزرگان به آن اهتمام بیشتری داشتند.

نتیجه آخر که در تمام مقاله نیز کاملاً آشکارا دیده می‌شود، ادغام و همراهی محسنات لفظی مختلف با یکدیگر در جمله‌هاست که هدفی جز القای تمام‌عیار مقصود گوینده ندارند.

## منابع و مأخذ

### قرآن کریم

- ابن ابی الحدید المدائنی أبو حامد (۱۴۱۸ق / ۱۹۹۸م). **شرح نهج البلاغه**. طبع الاول، بیروت: دار الکتب العلمیة.
- ابن المعتز، ابوالعباس عبدالله، (۱۴۲۲ق). **البدیع**. طبع الاول، بیروت: الکتب الثقافیة.
- ابوالعدوس، یوسف، (۱۴۲۷ق). **التشبیہ والاستعارة**. طبع الاول، عمان: دارلمیسة.
- تفتازانی، سعدالدین مسعود بن عمر، (۱۴۲۲ق). **المطول**. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- تونانی، زکریاء، (بی تا). **التسهیل لعلوم البلاغة**. طبع الاول، بیروت: کتاب ناشرون.
- جرجانی، رکن الدین محمد بن علی، (۲۰۰۳م). **الاشارات والتنبیہات فی علم البلاغة**. طبع الاول، بیروت: دارالکتب العلمیة.
- ذوالفقاری، حسن، (۱۳۸۸). **فرهنگ بزرگ ضرب المثل های فارسی**. تهران: معین.
- سبزواری، حاج ملاهادی، (۱۳۸۱). **الراح القصرح**. چاپ اول، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- سبکی، شیخ بهاءالدین، (۱۴۲۳ق). **عروس الافراح فی تلخیص المفتاح**. بیروت: العصریة.

- عبدالحمید، جمال، (۲۰۰۱م). *البدیع بین البلاغه العربیه واللسانیات النصیه*. طبع الاول، مصر: هیئة المصریة العامة للکتاب.
- عبداللهی، حسن، (۱۳۸۳). *ترجمه و شرح اشعار منسوب به فاطمه زهرا و امامان معصوم (ع)*. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- عتیق، عبدالعزیز، (بی تا). *فی البلاغه العربیه*. بیروت: دارالنهضة العربیه.
- عسکری، أبو هلال، (۲۰۰۸م). *کتاب الصنائع*. طبع الاول، بیروت: دارالکتب العلمیه.
- عقیل، محسن، (۱۴۲۴ق). *من أروع ما قاله الإمام الرضا (ع)*. طبع الاول، بیروت: دارالمحجة البيضاء.
- قزوینی، خطیب، (۱۴۳۰ق). *فی علوم البلاغه*. بیروت: العصریه.
- قیومی اصفهانی، جواد، (۱۳۷۸). *صحیفه الرضا (ع)*. قم: الاسلامی التابعة لجماعة المدرسين بقم المقدسة.
- کریمی، محمد، (۱۳۷۵ق). *الوشاح علی الشرح المختصر تلخیص المفتاح*. قم: العلمیه.
- لادقی، محمدطاهر، (۱۹۶۳م). *المبسط فی علوم البلاغه*. بیروت: المکتب التجاری للطباعة و النشر.
- مجمع البحوث الإسلامیه، (۱۴۳۰ق). *فی رحاب الإمام الرئوف علی بن موسی الرضا (ع)*. چاپ اول، مشهد: به نشر.
- محمدجواد، فضل الله، (۱۴۲۸ق). *الإمام الرضا (ع)*. چاپ اول، قم: دارالکتاب الاسلامی، ستار.
- محمودداسین، مأمون، (۱۴۱۸ق). *من روائع البديع*. طبع الاول، دبی: کلیة الدراسات الاسلامیه و العربیة.
- مطهری، مرتضی، (۱۳۷۲). *سیری در نهج البلاغه*. چاپ نهم، تهران: صدرا .
- میدانی، عبدالرحمن حسن، (۱۴۱۶ق). *البلاغه العربیه*. طبع الاول، دمشق: دارالقلم.
- نصیری، محمدجواد، (۱۳۷۲). *معیار البلاغه*. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- هاشمی، سیداحمد، (۱۳۸۹). *جواهر البلاغه فی ادبیات وانشاء لقه العرب*. چاپ اول، تهران: خورسندی.